

خاطرات سردار فاخر حکمت

اهتمامی نه چندان شایسته سردار

○ دکتر احمد شعبانی
عضو هیات علمی دانشگاه اسفهان
گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی

نخست سلسله پهلوی مربوطاً بوده و فعالیت‌های وی جنبه اجباری و اطلاعاتی دارد. زمینه ثانوی نمایندگی و ریاست وی در مجلس شورا در ادوار چهاردهم و پانزدهم است که به تشنجات سیاسی و آزادیخواهی علمه در سالهای جنگ جهانی دوم تا سقوط حکومت ملی دکتر محمدمصطفی مرتبط بوده است. در این دوره فعالیت‌های سردار فاخر بر محور تصمیم‌گیری جناحی و شخصی بوده است. در نهایت حضور سردار در ادوار هیجدهم، نوزدهم، و بیستم مجلس شورا در سمت ریاست مجلس بعد از کودتای مرداد ۱۳۳۲ است که با توجه به فشار آمریکا بر شاه جنبه‌ای مشورتی به منزله راهنما در تحکیم قدرت سیاسی سلسله پهلوی دارد. چون دوره بیستم مجلس شورای ملی به تقاضای دکتر علی امینی، نخست‌وزیر وقت و تصویب محمدرضا شاه منحل گردید سردار فاخر در دوره قترت مجلس نیز در سمت ریاست مجلس انجام وظیفه می‌کرد. پس از آن از سیاست‌کناره‌گیری نمود خانه‌نشین شد، و در سال ۱۳۵۶ ه. ش زندگی را بدردو گفتم.



کردند. اما با انتصاب عبدالحسین میزرا فرمانفرما به منصب حکومت فارس، سردار و جمع یاران وی مورد تعقیب و آزار قرار گرفتند به گونه‌ای که اموال وی توقیف شد. سردار به سال ۱۳۳۶ ه. ق/ ۱۳۹۶ ه. ش به مرمزی قلی خان مصمصا بختیاری پناه برد. پناهندگی سردار فاخر مقران زمانی است که علی اکبردهخدا، محمدمصطفی و محمدفرخی یزدی نیز در هجران آزادی نزد ایل بختیاری سکنی داشته‌اند. چون موضوع قرارداد ۱۹۱۹ میلادی در کلبینه حسن و توق دولت پیش آمد، و مفاد تنگین آن قرارداد مبتنی بر تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ روس و انگلیس افشاء گردید سردار به مخالفت با آن پرداخت و در این راستا حدود یازده باره در خارج از کشور مقیم شد و پس از سقوط کلبینه و توق دولت به ایران مراجعت کرد.

با خاتمه دوران حکومت سلسله قاجار، نقش رضاحکمت در دوره جدید و سلسله نو به منزله یکی از نمایندگان منتقد مجلس افزایش یافت. این نقش در سه وجه و برش زمانی قابل بررسی است: نخست نمایندگی مجلس در ادوار چهارم، پنجم، هفتم و هشتم که به دو دهه

○ خاطرات سردار فاخر حکمت
○ به اهتمام: سیف الله وحیدنیا
○ ناشر: البرز، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۶

چاپ خاطرات سردار فاخر حکمت به منزله یکی از متون ارزشمند سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر ایران، این امکان را فراهم آورد تا خواننده فارسی زبان در متن زندگی و فعالیت‌های علمی و اندیشه سیاسی سردار قرار گیرد. به واقع طبع این اثر به نوعی مکمل یادداشت‌های مشروطیت به روایت علیم السلطنه منشی پاشی شیروزی است که همچنان در انتظار نشر می‌باشد. براین قرار از آنجا که علیم السلطنه، مطلب را به انتها آورده رضا حکمت به فرزاد و تشبیه حوادث در فارس و شیراز اهتمام می‌ورزد. این سستی و بلندی از قلم مردی به روایت آمده که به شخصه در اوضاع اجتماعی و سیاسی یکی از دوره‌های مهم تاریخ معاصر ایران در حوزه فارس به ایفاء نقش پرداخت. اما نکته آغازین پس از سالها انتظار دل شیفتگان به خاطرات مزبور در این سؤال نهفته است: آیا این کتاب، متن موق و کامل خاطرات سردار فاخر حکمت نقلی می‌شود؟

رشد زندگی سردار فاخر

رضای بن حسان‌الدین مشهور به رضا حکمت و ملقب به سردار فاخر از خاندان حاج‌میرزا علی اکبر طبیب شیروزی است. وی به سال ۱۳۱۱ ه. ق/ ۱۳۷۲ هجری شمسی در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زمینه زبان عربی، فارسی و فرانسه در تهران نزد معلمین متنوع فراگرفت. سپس به سال ۱۳۲۲ ه. ق/ ۱۳۸۲ ه. ش، اندکی قبل از استقرار مشروطیت به شیراز رفت. با تشکیل کمیته دموکرات در شیراز به عنوان رئیس کمیته فعالیت‌های سیاسی خود را گسترش داد. در سال ۱۳۳۰ ه. ق/ ۱۳۹۰ ه. ش که مهدتقی مخبر السلطنه هدایت به حکومت فارس معین شد، حمایت‌های خود را از سردار حکمت دریغ نکرد. در همین دوره احمد شاه لقب فاخر السلطنه را به وی بخشید. از این دوره سردار فاخر با یاری جمعی از وطن پرستان شیراز به مبارزه علیه انگلیسی‌ها هم‌گامت. در این دوره، پانصد سوار مسلح تحت فرمان سردار فاخر با مهدلی دلبران تکمستانی و حمایت مأموران آلمانی به دفع نفوذ انگلیسی‌ها مباردت

بد متن خاطرات سردار فاخر:

آن چه از انگیزه سردار فاخر عیان است کلامی است که سیف الله وحیدنیا در مقدمه کوتاه خود متذکر شده: در همین دوران به توصیه اینجناب نوشتن خاطرات زندگی خود را شروع می‌کند که آن نوشته‌ها هم اکنون در برابر دیدگان خوانندگان مشتاق قرار دارد. بخش‌های گوناگونی از خاطرات سردار فاخر درسال ۱۳۵۰ ه. ش در شماره‌های اول و دوم خاطرات وحید به چاپ رسید که خوشبختانه مصحح اثر،^۴ بر این قرار دارد که اطلاعات اولیه چند نکته قابل ذکر است: نخست آنکه سردار فاخر، پس از خلف‌نشین به سن هفتاد سالگی و یا در همین حدود مباردت به نگارش خاطرات خویش متوقف نموده که در دهه چهل شمسی بوده و از قضا سیف الله وحیدنیا این بخش را با موضوعات مقطع ذیل در سال ۱۳۵۰ ه. ش به زویر طبع آورده است: علت اختلاف من با دارو و چگونگی رفع آن، مذاکره با امیر کوچک خان؛ حوادث آذربایجان؛ غلظه جنوب. دوم اینکه سردار فاخر حکمت بر مبنای طبع دو مقاله



پورشسی که به منزله یک کنجکاوی در ذهن خواننده حادث می شود این که چگونه در دهه چهل شمسی سردار فاخر به عنوان رئیس مجلس شورای مستعفی این جرأت را داشت تا از روابط خویش با داور و انتخابات دوره رضاشاهی سخن بگوید و آنها را در سال ۱۳۵۰ ه.ش در نشریه «خاطرات وحید» منتشر سازد، لیکن امروز پس از گذشت سه دهه، متن خاطرات وی عاری از هر گونه اطلاعات سیاسی و اجتماعی دوران نمایندگی مجلس شورای ملی او در نیم قرن حکومت پهلوی است

رضا بن حسام الدین مشهور به رضا حکمت و ملقب به سردار فاخر، از خاندان حاج میرزا علی اکبر طبیب شیرازی است که در سال ۱۳۱۱ ه.ق/ ۱۲۷۲ ه.ش در تهران به دنیا آمد

صفاکره با میرزا کوچک خان: در ۲۸ شوال سال ۱۳۳۸

هجری قمری به معرفی و توصیه مهدی قلی هدایت (مخبر السلطنه) که از دوران حکومت او در فارس روابط فیمابین برقرار بود نخست وزیر وقت طی حکمی مرا برای مذاکره با میرزا کوچک خان جنگلی به گیلان ماموریت داد... من بازمت زیاد و مشکلات فراوان که فراره بود خودم را به گیلان رساندم و به راهنمایی نمایندگان میرزا کوچک خان که به استقبال آمده بودند به روستای گلاب زرمخ نزد میرزا کوچک خان رفتم و سه روز با او بودم و مطالب مشیرالوله را با او در میان نهادم، در این دیدارها میرزا قول عدم همکاری با بلشویکها را داد و نهای هم به توسط من برای مشیرالوله نوشت که در مراجعت به تهران به او تسلیم کردم. (چاپ ۱۳۵۰ ه.ش)

حکومت نیریز: هاید بگویی که در ایالت مشیرالسلطنه من قبول کردم با پرداخت مبلغ بیست و یک هزار تومان مالیات نیریز سند لازم را به مالیه بدهم. در آن موقع قوام الملک بهایارلوه را دراب چنگ داشت و بنا به ادعای قوام برادر شیخ زکریا که رئیس قوه سید عبدالحسن لاری مجتهد معروف لاری بود و در همان محل اقامت داشت افراد چهار معدن نیریز را آزاد گذارده بود تا به کمک بهایارلوه بروند. قوام شرحی به مخبر السلطنه نوشته و گفته بود برادر شیخ زکریا در تحریرات علیه او دست دارد و عدای را از چهار معدن نیریز برای کمک به بهایارلوه فرستاده است و خواسته بود که من به نیریز بروم و از انحلال و آشوب آنجا جلوگیری کنم. مخبر السلطنه مرا خواست و گفت: شما باید

به نیریز بروید زیرا آرامش آنجا از دست شما ساخته است. گفتم این کاریه دیویست سوار و توپ و توپچی نیاز دارد. مخبر السلطنه تائب محمدخان افسر توپخانه و عدای سرباز مسئول توپ را فرستاد من هم دیویست سوار خود را

رضاشاهی سخن بگوید و آنها را در سال ۱۳۵۰ ه.ش، منتشر سازد، لیکن امروز پس از گذشت سه دهه متن خاطرات وی عاری از هر گونه اطلاعات سیاسی و اجتماعی دوران نمایندگی مجلس شورای ملی او در نیم قرن حکومت سلسله پهلوی است. بعید نیست متن وسیع تری از خاطرات سردار فاخر به رشته تحریر درآمده که فعلاً در دسترس خوانندگان و محققان تاریخ نیست. همچنین این احتمال وجود دارد که مصحف این اثر فقط بخش نخستین خاطرات رضا حکمت را به طبع رسانده که تا پایان سلطنت سلسله قاجار رادر برمی گرد، و برای باقی مطلب باید سالیانی چند در انتظار بود.

ج: نمونه هایی از تتر سردار فاخر:

از متن دستنویست خاطرات سردار فاخر چاپ ۱۳۵۰ ه.ش، و متعاقباً دفتر اصلی خاطرات چاپ ۱۳۶۹ ه.ش دو نمونه برای آشنایی خواننده با شیوه نگارش سردار حکمت گزینش شده است:

مژبور (در سال ۱۳۵۰ ه.ش) مصمم می شود که «زندگی نامه خود را خود نوشته و ما به نقل آن در صحایف بعد» همت می کنیم. برخلاف دو مقاله مذکور، این خاطرات از نظر زمانی بخشی کوناهی از زندگی سردار فاخر را تا دوره رویاری با عبدالحسن میرزا فرمانفرما به سال ۱۳۳۵ ه.ق / ۱۲۹۵ ه.ش در بردارد. این موضوعات به طور کلی عبارت است از: ذکر حالات خانواده؛ دستگیری نصیرالملک؛ انقلاب مشروطیت؛ ظل السلطان در فارس؛ حکومت آصف الدوله؛ ظفر السلطنه والی فارس؛ حکومت سهام الدوله؛ نظام السلطنه؛ زنجیر کردن قوام و برادرش؛ تشکیل کمیته دموکرات در شیراز؛ نهفت جنوب؛ کودتای فتح الملک در شیراز؛ قضیه مهاجرت؛ و بالاخره برخی نامه های فرمانفرما خطاب به فاخر السلطنه.

در نهایت پورشسی که به منزله یک کنجکاوی در ذهن خواننده حادث می شود این که چگونه در دهه چهل شمسی سردار فاخر به عنوان رئیس مجلس شورای مستعفی این جرأت را داشت تا از روابط خویش با داور و انتخابات دوره

با خانمه دوران حکومت سلسله قاجار، نقش رضا حکمت در دوره جدید و سلسله نوبه
منزله یکی از نمایندگان منتقد مجلس افزایش یافت

این خطرات از نظر زمانی بخش
کوتاهی از زندگی سردار فاخر را تا دوره
روپارویی با عبدالحمین میرزا فرمانفرما
به سال ۱۳۳۵ ه. ق / ۱۲۹۵ ه. ش
در بردارد

است که مصحح از خواندن دستخط کاتب ایالتی عاجز
مانده، و تصویرها را نیز به انضمام آورده است. عیان نیست
که چگونه از خط سردار فاخر و والد وی، حسام‌الدین
مشارقات‌الدوله که در کتابت به حاشیه‌نویسی نیز مبادرت کرده،
برآمده است.

ه. فرجام کلام:

اینک در واپسین کلام باید یک بار دیگر سؤال
نخستین که آیا کتاب حاضر، متن موق و کامل خطرات
سردار فاخر حکمت تلقی می‌شود؟ و آیا متن حاضر تا چه
حد مورد وثوق است؟ یادآور شد از آنجا که در مقدمه هیچ
گونه اشاراتی به دفتر خطرات و مسوده سردار فاخر نشده
و تصویری از دفتر مزبور ارائه نگردیده در اولین گام باید به
شکل و شیوه خط سردار توجه کرد. در مرحله بعد ارائه
چگونگی مطالب و موضوعات بعد از نامه‌های عبدالحمین
میرزا فرمانفرما است. آیا این احتمال وجود دارد که
مسوده‌های چندی از سردار در دسترس باشند؟ بالاخره
بازنویسی دقیق و مجدد خطرات تحت اشراف فردی
علاقه‌مند ضروری است. بدهی است تا زمانی که چاپ
موجود در دسترس بوده بهره‌جویی از آن به منزله سندی
تاریخی مورد تشکیک است و باید با احتیاط مورد استفاده
قرار گیرد.

پی نوشت‌ها:

۱. حکمت‌رضا: خطرات سردار فاخر حکمت، تهران، البرز، ۱۳۷۹، ۲۵۶ ص.
۲. نک به: متن مشروح اهدایی گنجینه پژوهشی
استاد ایرج افشار، آینه میراث، سال سوم شماره ۳-۲ (بایز
- زمستان ۱۳۷۹)، ص ۱۰۹.
۳. خطرات سردار فاخر حکمت، پیشین، ص ۳-۱.
۴. همان، ص ۳.
۵. همان، ص ۵-۱۳.
۶. همان، ص ۳-۴.
۷. همان، ص ۱۰-۱۱.
۸. دهات بزرگ کوهستان.
۹. خطرات سردار فاخر حکمت، پیشین، ص ۱۱۶-۱۱۷.
۱۰. همان، ص ۴۱.
۱۱. همان، ص ۶۱.

به شیراز آوردم که مخبرالسلطنه سان دید و از مالیه هم
احمدخان و محمودخان و رشاقلی خان پسرهای اسکندر
خان معروف به اتفاق آقای کاملی که عضو مهمی در مالیه
بود به عنوان میانش برانداختن همراه من بودند.»^۱ (چاپ
۱۳۷۹ ه. ش).

د. دست‌رسی‌های مصحح متن:

هر چند بی‌ظنیم که خطرات سردار فاخر حکمت
منتخب به همین دفتر کوچک و جزئی است نمی‌توان از
سپه‌انگاری‌های مصحح چشم پوشید. نخستین گونه از
این کم توجهی‌ها به تغییراتی است که در متن صورت
گرفته است. چنانچه به یک باره سردار فاخر را چونان
شخصی در قید حیات مشاهده می‌کنیم که برای اثر در حال
طبع خود چنین می‌نویسد:

«روزنامه شرف که به مدیریت محمدحسن
اعتمادالوله و به خط کلهر انتشار می‌یافت... بر معرفی
حاجی میرزا محمد حکیم‌باشی و فرزندانش مطالبی نوشت
که عیناً گراور شده است و در صفحه بعد ملاحظه
می‌فرمایید.»^۲

«حاجی میرزا شیخ مستوفی شیرازی عمو و پدر همسر
میرزا اشرف مستوفی جد مادریم که به سال یک هزار و
سیصد و یکه در اثر وبا درگذشت و مرحوم شوریده به
مناسبت این فاجعه شعری سرود که در حقیقت بازگوکننده
تاریخ و حوادث و معرفی رجال آن روز بود. این شعر را از
نظر اهمیت و به علت آنکه تاکنون کمتر در کتب با نشریات
دید شده به چاپ آن مبادرت می‌شود.»^۳
همچنین است نمونه‌هایی که در صفحات ۱۲۷ و ۱۳۳
مشاهده می‌شود.

دوم اشتباهات قاضی است که ناشی از خواندن متن
با توجه به تصویرهای مکاتب فرمانفرما و مطابقت آن با
چاپ سریبی مشاهده می‌شود. از باب نمونه چند مورد از آنها
با صورت اصلاح شده به شرح زیر است:

ص ۱۴۶: این راپورت‌ها که از شما می‌رسد، کار شما
در آنیه قابل اصلاح نیست و دست هر وسیله برای شما از
چاره سازی کوتاه می‌شود (تصویر صفحه ۱۷۲).

ص ۱۴۹: حاشیه نامه مورخه ۲۵ دیچهج التحرام
۱۳۳۴ بازنویسی نشده است (تصویر صفحه ۱۵۰).

ص ۱۵۴: فرمایش ما را که به توسط مشارالیه
اصفلی‌نماید دیگر محتاج به طول و اطباب و بسط کلام
نیست (تصویر صفحه ۱۵۵).
ص ۱۵۴: اگر سلیقه شما غیر از این است صریح و



احمد شاه، لقب فاخر السلطنه را به
سردار حکمت بخشید و از این دوره،
سردار فاخر با یاری جمعی از
وطن پرستان شیراز به مبارزه علیه
انگلیسی‌ها همت گماشت

سردار حکمت در سال ۱۳۳۲ ه. ق /
۱۳۸۲ ه. ش، اندکی قبل از استقرار
مشروطیت به شیراز رفت. کمیته
دموکرات را در شیراز تأسیس کرد و
خودریاست آن را به عهده گرفت

موضع عاقبت وخیم مشوم را بدانید که هر یک خاتمان
ظلم قاحش بل افحش کرده ستم بسیار بر خود نموده‌اید که
بقریه‌ها نالایی و تدارک آن غیرمقدور و مسور است. (تصویر
صفحه ۱۵۵).

ص ۱۵۶: خودتان خوب می‌توانید تصور کنید که
انجام خدمت دستگیری آنها بهترین وسیله توفیق و
سعادت مقتضیات امروز شما و نکوترین ناید آسمانی است
(تصویر صفحه ۱۵۷).

ص ۱۵۸: ولی خیلی میل داریم که این اظهار جامع
عملیات باشد (تصویر صفحه ۱۵۹).

ص ۱۶۲: در چنین مواقع خطبهای عظیم کنند و راه
صلاح خود را نمانند (تصویر صفحه ۱۶۳).

و در نهایت نامه عبدالحمین میرزا فرمانفرما به عنوان
والی فارس در مورخه ۱۴ شربیع‌الثانی ۱۳۳۵ مندرج در
صفحه ۱۶۶ به حدی افتادگی و کژی در خواندن متن
داشته که نیاز مجدد به بازنویسی دارد. تازه این مواردی